

بازداشت عاملان قتل در پاتوق معتادان

■ نوید نگار
دو مرد خلافکاری که متهم هستند در درگیری در پاتوق معتادان مرد دیگری را به قتل رساندند، جرم خود را به گردن هم می اندازند. ساعت ۳ پامداد شنبه پنج ۱۸ اسفند، مأموران کلانتری ۱۷۹ خلیج فارس تلفنی به قاضی محمد حسین زارعی، باز پرس ویژه قتل داسرای امور جنایی تهران خبر دادند مرد جوانی که در حادثه‌ای زخمی و به بیمارستان منتقل شده به کام مرگ رفته‌است.

با اعلام این خبر، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی بیمارستان و دوربین‌های مداربسته شماره پلاک خودروی پراید را به دست آوردند که مشخص شد خودرو متعلق به مرد جوانی به نام حمید است. سپس مأموران حمید را شناسایی و بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

وی گفت: «شب حادثه با خودروام از نزدیکی بزرگراه خلیج فارس به طرف خانه‌ام می‌رفتم که یکی از دوستانم به نام کیوان مرا دید و از من خواست مرد زخمی را برای درمان به بیمارستان منتقل کنم. کیوان گفت مرد زخمی دوستش است و در درگیری زخمی شده و عامل درگیری هم فرار کرده‌است و از من خواست برای نجات جانش او را به بیمارستان برسانم. وقتی مرد زخمی را دیدم که هنوز نفس می‌کشد، دلم به رحم آمد و او را به بیمارستان رساندم، اما از ترس اینکه خودم گرفتار شوم، از بیمارستان خارج شدم».

■ بازداشت متهمان
با به دست آمدن این اطلاعات مأموران پلیس، کیوان را بازداشت کردند، اما وی در ادعایی گفت که قاتل یکی از دوستانشان به نام کامبیز است، وی گفت: «مقتول فرما ن نام دارد و از دوستان من و کامبیز است، البته مدتی است کامبیز و فرما ن با هم به خاطر مکان پاتوق اختلاف دارند. کامبیز مدعی است پاتوق متعلق به او است و در مقابل فرما ن هم می‌گفت پاتوق متعلق به من است. آنها شب حادثه به خاطر همین موضوع با هم درگیر شدند که در جریان آن کامبیز با چاقو فرما ن را زخمی کرد و از محل گریخت. من برای اینکه جان او را نجات دهم، از دوستم حمید خواستم فرما ن را با خودرواش به بیمار ستان برساند و او هم قبول کرد.» مأموران در ادامه کامبیز را بازداشت کردند. متهم صبح دیروز در داسرای امور جنایی تهران جرم خود را انکار کرد و قتل را به گردن کیوان انداخت. وی گفت: «کیوان و فرما ن به خاطر پاتوق همیشه با هم اختلاف داشتند و شب حادثه با هم درگیر شدند. کیوان با چاقو فرما ن را زخمی کرد و بعد با خودروی پراید دوستش او را به بیمارستان رساند.» دو متهم در حالی که قتل را گسرن هم می‌اندازند، برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی پرونده در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند. تحقیقات درباره این حادثه ادامه دارد.

مرگ خاموش ۳ عضو یک خانواده در کرج

حادثه گازگرفتگی در شهرستان کرج، مرگ سه عضو یک خانواده را رقم زد.

سرهنگ علی قاسم‌پور، فرمانده انتظامی کرج گفت: مأموران کلانتری ۴۰ کلک بعداز دریافت گزارش حادثه گازگرفتگی در یکی از محله‌های اطراف در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد دو پسر ۲۰ و ۱۰ ساله و دختر ۷ ساله خانواده به علت گازگرفتگی جانشان را از دست داده‌اند. بررسی‌های بعدی مشخص کرد حادثه گازگرفتگی زمانی رقم خورده که پدر و مادر خانواده در محل کارشان حضور داشتند. همزمان با انتقال اجساد به پزشکی قانونی بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

۲ کشته در انفجار مواد محترقه

دو مرد میانسال که در جریان انفجار مواد محترقه مصدوم و راهی بیمارستان شده بودند پس از هشت روز جان باختند. عصر روز ۱۳ اسفندماه حادثه انفجار در خیابان گلستان تهران اتفاق افتاد. بررسی مأموران کلانتری شهرک ولی عصر بعد از حضور در محل نشان داد دو مرد ۴۲ و ۴۵ ساله که در حال ساخت مواد محترقه با اکلیل سرنج بودند به دلیل انفجار مواد مصدوم شده‌اند که به بیمارستان شهدای یافت‌آباد منتقل شدند. بعد از آن بود که تلاش تیم پزشکی برای نجات دو مصدوم به جریان افتاد، اما تلاش‌ها در این باره ثمری نداشت و هر دو به دلیل شدت جراحات فوت شدند. بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

حادثه انفجار باعدادی در ساختمانی مسکونی در منطقه منظره تبریز، هفت کشته و چهار زخمی بر جای گذاشت. در جریان این حادثه، سه واحد مسکونی به طور کامل تخریب و بیش ۱۰۰ واحد مسکونی دیگر نیز خسارت وارد شد. علت حادثه نشست گاز اعلام شده است. به گزارش جوان، حادثه انفجار ساعت ۳ پامداد روز گذشته، منطقه منظره به شهرستان تبریز را به لرزه درآورد. لحظاتی بعد از



حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



۷ کشته در انفجار بامدادی تبریز

بی‌جان هفت نفر را از میان آوار خارج و به پزشکی قانونی منتقل کردند که هویت شش نفر از آنها از جمله سه مرد و سه زن شناسایی شده است. شدت انفجار به حدی بود که به حدود ۱۰۰ واحد مسکونی آسیب وارد کرد و منجر به شکسته شدن شیشه‌های خانه‌های اطراف شد. محمد هنریر، مدیرکل مدیریت بحران استانداری آذربایجان شرقی علت اولیه حادثه را نشت گاز اعلام کرد و گفت بررسی‌های بیشتر در این باره جریان دارد.

سرقت وتعرض به زنان ودختران درپارک

زیر گلویم گذاشت. کیف دستی‌ام را باز کرد و کارت عایرم و پول‌هایم را برداشت و با تهدید رمز کارت‌م را گرفت و بعد تهدید کرد حرکتی نکنم وگرنه مرا می‌کشد. همان لحظه متوجه نیت شوم او شدم و در برابر خواسته‌اش مقاومت کردم، به طوری که تیغه چاقویش گلویم را زخمی کرد. وقتی درگیری با بالا گرفت، چاقویش را با دستانم گرفتم و دو انگشتم به شدت زخمی شد. پارک خلوت بود و داد و فریادهای من به گوش کسی نمی‌رسید و مرد شیطان صفت هم مرا به زور آزار داد و وقتی دید با داد و فریاد من مردم به داخل پارک آمدند، مرا رها کرد و از پارک گریخت.»

■ خفت گیر خشن
با طرح شکایت دختر جوان، پرونده به دستور بازپرس شعبه هفتم داسرای امور جنایی تهران برای شناسایی و دستگیری متهم در اختیار تیم زنده‌ای از کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد متهم مرد بلند قد، چهارپایه و گندم‌گونه‌ای است که در خیابان‌های شمالی تهران و در نزدیک بوستان‌های خلوت طعمه‌های خود را که بیشتر زنان و دختران جوان هستند، انتخاب و به تهدید چاقو از آنها خفت‌گیری می‌کند و در بعضی موارد طعمه‌ها را نیز مورد آزار و اذیت قرار می‌دهد. در حالی که تحقیقات برای دستگیری متهم ادامه داشت چند روز قبل مأموران پلیس با خبر شدند گشت تیم‌های عملیاتی پلیس در یکی از خیابان‌های شمالی تهران مرد قدبلندی را هنگام خفت‌گیری از زن جوانی به دام انداخته‌اند که شباهت زیادی با مرد شیطان صفت دارد.

همچنین مشخص شد متهم در شعبه هفتم داسرای ناحیه ۳۴ مقابل قاضی محمد ولدی برانوند به خفت‌گیری‌های سریالی از زنان و مردان اعتراف کرده‌است.

■ شناسایی متهم
بدین ترتیب مأموران مهناز ۲۷ ساله را به اداره آگاهی برای شناسایی متهم دعوت کردند. شاکعی متهم را از بین چند مجرم دیگر شناسایی و به مأموران پلیس معرفی کرد.

صبح دیروز متهم که شاهرخ نام دارد، به

شعبه هفتم داسرای امور جنایی تهران منتقل و با دختر جوان مواجه حضوری شد. شاکعی لحظه‌ای که با متهم مواجه شد، دست و پایش به لرزه افتاد و وحشت تمام بدنش را فراگرفت، به طوری که توان ایستادن روی پای خودش را نداشت و بی‌حال روی زمین افتاد. وی در حالی که گریه می‌کرد، گفت با دیدن متهم دوباره صحنه خفت‌گیری و آزار و اذیت مرد شیطان صفت برایش نمایان شده و ترس و وحشت دوباره وجودش را گرفته‌است. شاکعی دوباره حادثه را برای قاضی توضیح داد.

■ اعتراف
سپس متهم ۳۵ ساله در بازجویی‌ها به خفت‌گیری‌های سریالی و آزار و اذیت دختر جوان اعتراف کرد و گفت: «من آمو توربند بودم و به همین خاطر دستانی قوی دارم. متاهلم و فرزند چهارساله‌ای هم دارم و زندگی‌ام خوب بود، اما پس از اینکه معتاد به شیشه شدم، زندگی‌ام به هم ریخت و تصمیم به سرقت گرفتم. معمولاً در نزدیکی بوستان‌های خیابان‌های شمال و غرب تهران کمین و بیشتر زنان و دختران را به عنوان طعمه انتخاب می‌کردم، چون سرقت از آنها راحت‌تر بود. من آنها را از پشت خفت و با چاقو آنها را تهدید و اموالشان را سرقت می‌کردم. در بازگیری چون چاقو داشتم، آنها زخمی می‌شدند و من هم پس از سرقت اموالشان فرار می‌کردم.» وی درساره آزار و اذیت دختر ۲۷ ساله گفت: «عصر آن روز داخل پارک کمین کرده‌بودم که دیدم شاکعی در حال عبور از کنار پارک است. آن روز شیشه مصرف کرده‌بودم و دختر جوان را پشت خفت کردم و پس از سرقت کارت‌هایش او را مورد آزار قرار دادم و فرار کردم. پس از فرار می‌خواستم از کارش پول بردارم، اما او رمزش را به من اشتباهی داده بود و دستگاه کارت عایبر را ضبط کرد.» وی در پایان گفت: «من سرقت‌ها و خفت‌گیری‌هایم همچنین قاضی پرونده از افرادی که به این شیوه از سوی متهم مورد خفت‌گیری و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند درخواست کرد برای طرح شکایت به دادسرا یا پلیس آگاهی مراجعه کنند.

در گیر شد که گشت مأموران پلیس از راه رسید و مرا دستگیر کرد.» متهم در ادامه به دستور قاضی غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم داسرای امور جنایی تهران برای تحقیقات در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت، اما متهم قاضی پرونده از افرادی که به این شیوه از سوی متهم مورد خفت‌گیری و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند درخواست کرد برای طرح شکایت به دادسرا یا پلیس آگاهی مراجعه کنند.

مفقودی

اینجانب سهامه عقبايي مالک خودرو پژو هاجیک ۲۰۷i پانوروما مدل ۱۴۰۰ به رنگ مشکی به شماره شاسي NAAR۰۳FE۰MJ۲۸۰۴۹ و شماره موتور ۰۵۷۷۱۲۰۵۷۶B۰۰ به علت فقدان اسناد فروش تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. البرز

مفقودی

برگ سبز وانت پیکان تیپ OHV۱۶۰۰ مدل ۱۳۸۹ به رنگ سفید شیری – روغنی و شماره پلاک ایران ۳۲-۳۵۳۳۵۲ و شماره موتور ۰۸۶۴۵۱۱۴۸۸۱۰ و شماره شاسی ۰۰۷۹۷AG۱۰۰۴۶AAAA به مالکیت سعید افشین با کد ملی ۵۹۱۹۱۳۴۰۱ مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. الف ل

هیجان‌هایی که در چهارشنبه آخر سال از دست می‌رود

■ سرهنگ داود عبدالملکی*

تخلیه هیجانات یکی از علاقه‌مندی‌هایی است که انسان برای انجام آن به دنبال فعالیت‌های خاصی می‌رود، اما در خصوص نوع رفتار و میزان خطرپذیری، فاصله بین نسلی گسترده‌ای بین طیف سنی جوان و نوجوان با گروه سنی بزرگسالان وجود دارد.

چهارشنبه‌سوری به عنوان یکی از مراسم سنتی در فرهنگ ایران که در گذشته به عنوان بهانه‌ای برای جمع شدن کنار بزرگ‌ترها بود و با اعمالی چون قاشق‌زنی، کوزه شکستن شاهنامه خوانی و غیره اجرایی شده، امروز به یک رویداد پر حادثه که به عنوان وجه تمایزِ موجب فاصله بین گروه سنی جوان و نوجوان با بزرگ‌ترها شده، تعریف می‌شود. آداب چهارشنبه‌سوری در گذشته با کمترین خطر و تقریباً با مشارکت تمامی اعضا اعم از پدربزرگ و مادر بزرگ تا والدین و فرزندان انجام می‌شد، اما امروزه والدین و بزرگ‌ترها که از هیجان دوره جوانی فاصله گرفته‌اند و منطقی‌تر با رخ داده‌های زندگی روبه‌رو می‌شوند، سعی دارند این مراسم آیینی را با کمترین خطر و هیجان و متناسب با رسوم گذشته سپری کنند.

اما کوچک‌ترها، به‌ویژه طیف سنی جوان و نوجوان که به دلیل شرایط سنی علاقه‌مند به تجربه بالاترین میزان از هیجان هستند و در این ایام، به‌ویژه شب چهارشنبه‌سوری فرصت را مناسب می‌بینند، بدون توجه به توصیه‌های والدین و صداسیما، حتی به دور از چشم خانواده به دنبال مورد محترفه و تخلیه هیجانات خود از این طریق می‌روند. نکته مهم دیگر که می‌توان به آن اشاره کرد اهمیت نقش والدین و تلاش برای عدم ایجاد فاصله با فرزندان مخصوصاً در این روزهاست که جوانان برای تخلیه هیجانات خود به سراغ برخی اعمال و رفتارهایی می‌روند که چندان مورد تأیید ما نمی‌باشد.

چنانچه والدین با هیجانات فرزندان به‌طور کلی مخالفت با رفتارهای سخت سعی کنند آنها را محدود کنند، ممکن است به صورت پنهانی و به دور از چشم والدین، اعمالی از آنها سر بزند و حوادث ناگواری رخ دهد، در حالی که اگر ما اطلاع می‌داشتیم، می‌توانستیم خانواده خود را تا میزان زیادی از حوادث پیش آمده مصون نگه داریم. یکی از مسائل مهم و شاید مهم‌ترین مصداق فاصله و شکاف بین‌نسلی میان والدین و فرزندان نحوه ابراز هیجانات در آنهاست، شاید نتوانیم به روشی واقعی در این خصوص که کدام یک عملکرد بهتر و درستی‌تری برای ابراز آن دارند یکی را انتخاب کنیم، اما نباید هر یک را به حال خود رها کنیم و از یکدیگر غافل شویم.

همراهی و رابطه صمیمانه‌ای که والدین با فرزندان، مخصوصاً در دوره جوانی و نوجوانی دارند، علاوه بر اینکه موجب شادایی خود آنها خواهد شد تا حدود زیادی فرزندان را از خطرات موجود ایمن نگه می‌دارد. دلیل افزایش نرخ آزار، محکومیت‌های قضایی قابل توجه و همچنین ترکیب تجربه و پختگی بزرگ‌ترها با شور و هیجان جوانان به مراتب جذاب‌تر، کم‌خطرتر و مطلوب‌تر از زمانی است که هر کدام سعی دارند به روش خود به تخلیه هیجانات بپردازند.

به‌طور مثال ممکن است چهارشنبه‌سوری، بارش برف و دیگر رخ دادهایی که سراغ دارید برای یک فرد میانسال بدون هیچگونه تفاوت طبقه‌بندی شود و در تمام این روزها یکسری اقدامات تکراری که ناشی از روزمرگی است را انجام دهد، اما این موارد برای جوانان یک فرصت عالی برای بریف‌بازی، تیوپ‌سواری، نورافشانی و استفاده از مواد محترقه و دیگر اقدامات هیجان‌انگیز طبقه‌بندی می‌شود.

این موضوع برای خانواده‌هایی که سال گذشته فرزندانشان سالم و سلامت کنارشان شاد بودند و اکنون که در اثر حوادث سال گذشته با جانشان را از دست داده‌اند یا دچار نقص عضو و یا به علت صدمات شدید جسمانی نمی‌توانند آنها را همراهی کنند بیشتر قابل درک است. اینان نیز در این زمان فکر می‌کردند خانواده‌شان از این اتفاقات مصون هستند، اما...

به رغم تلاش شبانه‌روزی و کشفیات قابل توجه مواد محترقه توسط پلیس باز هم این مواد توسط افراد سودجو وارد بازار می‌شود و در دسترس عموم قرار می‌گیرد. این در حالی است که در سال جاری به دلیل افزایش نرخ آزار، محکومیت‌های قضایی قابل توجه و همچنین خطرات موجود در خصوص کشف محموله و نابودی سرمایه فرد، قیمت این مواد در بازار افزایش قابل توجهی پیدا کرده و با توجه به وضعیت معیشت خانواده‌ها تهیه این اقلام برای تعداد زیادی از افراد مقدور نیست. این عامل علاوه بر اینکه یک دستاورد مطلوب تلقی می‌شود از طرفی یک نگرانی مهم را در پی دارد و آن روی آوردن افراد به مواد محترقه دست‌ساز است که غالباً مواد اولیه آن خریداری و توسط خود آنها تر کیب می‌شود.

عدم آگاهی لازم در خصوص میزان دقیق تر کیبات، نحوه ترکیب، زمان، قدرت و شدت واکنش این مواد، حوادث ناگواری چون جانباختن، قطع عضو، سوختگی و دیگر جراحات شدید را در سزاندگان آن که غالباً جوان و نوجوان هستند و به دور از چشم خانواده اقدام به این کار می‌کنند به دنبال دارد.

البته گاهی این مواد بدون حادثه‌ای تر کیب و آماده بهره‌برداری می‌شود، اما باز هم در زمان استفاده از بر تان تر کیبات محضی آن به سبوی خود و دیگران گرفته تا صدای مهیبی که موجب وحشت و اتفاقات ناگوار از جمله در کودکان و زنان باردار شده است، می‌شود.

پلیس به‌ویژه در این ایام به صورت شبانه‌روزی در حال مقابله با علل‌الانتشار و محلی آگاهی و در صورتی که اشخاص بدفع به آرای صادره اعتراضی داشته باشند باید تا دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگاهی در شهرها و از تاریخ الصاق آگاهی در روستاها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شهر کرد تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه یک شهر کرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، به موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل میادرت به دستور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت تابع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد بود.

«تنها برای دیگران است»، چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.

***جانشین فرمانده انتظامی استان قزوین**

آگاهی قانون تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰ بخش ۱۰ حوزه ثبتی شهرستان بروجن

نظر به دستور ماده ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ این‌نامه قانون فوق‌الذکر املاکی که در هیأت مندرج در قانون مذکور مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بروجن مورد رسیدگی و رای آن صادر شده است جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگاهی می‌گردد:

۱- این‌یه املاک واقع در اراضی مزعه خانی روجن پلاک ۵۵۵- اصلی و فرعی زیر: ۲۰۹۵۵- فرعی- خانم پروانه امینی‌فرد بروجنی یک دانگ، مملو از شش دانگ یک باب خانه به مساحت ۲۲/۲۶ مترمربع خریداری مع واسطه از امیر حسین معتمدی مالک رسمی پلاک مرقوم به‌موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی این آگاهی نسبت به املاک فوق‌الذکر در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه کثیرالانتشار و محلی آگاهی و در صورتی که اشخاص بدفع به آرای صادره اعتراضی داشته باشند باید تا دو ماه از تاریخ انتشار اولین آگاهی در شهرها و از تاریخ الصاق آگاهی در روستاها اعتراض خود را به اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک شهر کرد تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض میادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت ناحیه یک شهر کرد تحویل دهد. در این صورت اقدامات ثبت، به موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند، اداره ثبت محل میادرت به دستور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت تابع از مراجعه معترض به دادگاه نخواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بروجن- رسول تعمیدی